به یاد محمدعلی شیرازی، رودکیِ ترانه معاصر

ترانه‌هایی معروف با شاعری غریب!

«ترانه‌سراها در غربت زندگی می‌کنند، در غربت ترانه می‌گویند و در غربت بدرود حیات می‌گویند.» این‌ها را اهورا ایمان می‌گوید برای کوچ غریبانه محمدعلی شیرازی. البته مصداقش فقط ترانه‌سراها نیستند، شاعران هم همین‌طورند. به گزارش ایسنا، شاعران و ترانه‌سراها بیش از چهره‌های فرهنگی و هنری برای مردم خاطره ساخته‌اند؛ هنگامه خوشحالی و سرمستی، عاشقی و غم هجران یار، اندوه و قصه و حتی عصبانت از اوضاع اجتماعی، این شعرها و ترانه‌ها هستند که به داد مردم می‌رسند و گاه آن‌ها را مهلکه می‌رهانند. به قولی، شعر است که زبان مشترک مردم ایران در نسل‌های مختلف است اما هنگامه کوچ شاعران از دنیای فانی به دنیای باقی که فرا می‌رسد، غریب می‌شوند؛ گو این‌که ما نبودیم که با شعرهایشان به ساعت‌ها و روزهایمان حیات داده‌ایم، هنگام پیاده‌روی‌هایمان در برگریزان خزان شعرهاشان را زمزمه کرده‌ایم یا شب را به روز رسانده‌ایم. خاکسپاری شاعران معمولا با حضور اندک دوستان شاعر و بدون حضور مردم برگزار می‌شود. چندی پیش مفتون امینی، شاعر پیشکسوت از دنیا رفت اما حضور دوستان نویسنده و شاعر و مترجم به تعداد انگشتان دست هم نرسید و کسی از مردم عادی در مراسم حضور نداشت. محمود زند مقدم که سال‌ها وقت خود را برای پژوهش در فرهنگ مردم بلوچ گذاشته بود، مراسمش بدون حضور خیلی‌ها برگزار شد. مراسم وداع با محمدعلی شیرازی، ترانه‌سرا و شاعر هم با خاطرات فراوانی که برای مردم به واسطه ترانه‌هایی چون «سلطان قلب‌ها»، «شکار»، «ای خدا»، «زندونی»، «وقف پرنده‌ها»، «روزی تو خواهی آمد» و «لیلی» و... ساخته بود، تقریبا غریبانه برگزار شد. انتظار می‌رفت خواننده‌هایی که با ترانه‌های او مطرح شدند، در مراسم وداعش حضور داشته باشند اما خبر درگذشت او واکنش زیادی را به همراه نداشت، حتی در میان چهره‌هایی که واسطه ترانه‌های او به شهرت رسیده و مردم آن‌ها را می‌شناسند و اخبارشان را پیگیری می‌کنند.

اهورا ایمان، ترانه‌سرا و خواننده، در این زمینه می‌گوید: کدام شاعر و ترانه‌سرایی را می‌شناسید که کارش را بلد باشد، اهل زردنویسی و حاشیه نباشد و شهرت داشته و نزد مردم شناخته شده باشد؟ تقریبا هیچ‌کس. هیچ شاعر و ترانه‌سرایی که کار خوب و ماندگار انجام می‌دهد و در عین حال از ژورنالیسم زرد و ترانه‌سرایی زرد و خبرسازی زرد پرهیز دارد، به اندازه ترانه‌هایش شناخته نمی‌شود، مگر این‌که وارد داستان‌هایی بشود که پسندیده کسانی

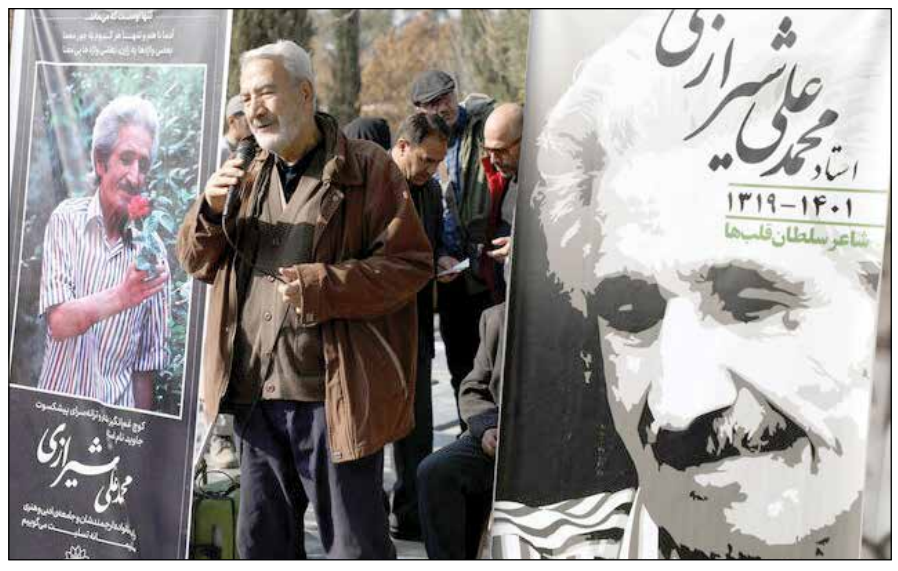

مانند محمدعلی شیرازی نبوده و نیست. او شیرازی را رودکی ترانه معاصر ایران می‌خواند و بیان می‌کند: شیرازی در عین سادگی، سلاست و روانی، استحکام و ایجاز، به شیوه‌ای می‌نوشت که الان در ترانه‌سرایی ما منسوخ شده است؛ سهل و ممتنع‌نویسی. سهل و ممتنع‌نویسی صنعت ادبی بسیار بسیار سختی است که تقریبا فراموش شده. دوستان ترانه‌سرا یا به شیوه بسیار ساده‌ای می‌نویسند که ترانه نیست بلکه کلمات محاوره و جملات موزون است، همین ترانه‌هایی که در این سال‌ها در سالن‌های کنسرت می‌شنیدیم، یا این‌که از ترانه‌های دهه ۱۳۵۰ و ترانه‌های نوین بهره‌برداری می‌کنند در واقع ترانه‌های ایرج جنتی عطایی و اردلان سرفراز و شهریار قنبری و دیگران را زمرمه می‌کنند.

این ترانه‌سرا با تأکید بر این‌که محمدعلی شیرازی خودش بود، می‌گوید: دریغ بزرگ این‌که شیرازی هرچه کار خوب نوشت تا ۴۰ سالگی‌اش بود؛ او ۸۱ سال عمر کرد و به نسبت انسان‌های جغرافیای امروز ایران، شیرازی از عمر کامیاب بود اما بالای ۹۵ درصد آثار معروف و محبوبش را تا ۴۰ سالگی و زمان انقلاب نوشت. بعد از انقلاب هم تا سال‌ها ۷۵-۷۶ عملا ترانه نداشتیم، هرچه بود سرود بود. در این سال‌ها ترانه از جامعه موسیقی ما رخت بربست تا این‌که با بابک بیات، اکبر آزاد و محمدعلی شیرازی دوباره رواج پیدا کرد. خواننده‌هایی که بعد از انقلاب ترانه‌های شیرازی را خواندند یکی امیر تاجیک خواننده «زیر آسمون شهر» بود و دیگری محمد اصفهانی که کار «روزی تو خواهی آمد» را خواند. البته شیرازی، برای این کار شعرش را عوض کرد و همایون خرم نیز آهنگسازی کار را برعهده داشت.

او تأکید می‌کند: عمده کارهای محبوب شیرازی که آثار او را قابل بررسی و پژوهش می‌کند، کارهایی است که با انوشیروان روحانی، سلیمان اکبری، ویگن و زاون انجام داده است. اگر آهنگسازان و خواننده‌ها در مراسم وداع او نبودند، به این دلیل است که در ایران و یا در قید حیات نیستند نه این‌که بی‌معرفت باشند. به نظر آن‌ها آدم‌های با معرفتی نسبت به نسل حالا هستند.

ترانه‌سرا در غربت هستند

ایمان درباره این‌که خواننده‌های مطرح اخل و خارج کشور نسبت به درگذشت او حتی در صفحات شبکه‌های اجتماعی‌شان واکنشی ندادند، گفت: متاسفانه ترانه‌سرا همیشه در غربت زندگی می‌کند، درغربت ترانه می‌نویسد و درغربت بدرود حیات می‌گوید. نمی‌دانم شاید بهتر باشد، دوستانی که پا بر شانه‌های او گذاشته‌اند و بین مردم محبوبتی پیدا کرده‌اند، ادای دین کنند. به طور مثال ترانه «زندونی» یکی از مهم‌ترین ترانه‌هایی است که واسط ترانه‌سرایی کلاسیک و نوین قرار دارد. به‌رغم آنچه دوستان می‌گویند، این ترانه نسبت به قطعه «قصه دو ماهی» شهریار قنبری، پیش‌رو و مقدم بوده است و بارقه‌های تجدد و نوگرایی در ترانه «زندونی» حداقل چند سالی زودتر از ترانه «قصه دو ماهی» زده شده و از این نظر دارای اهمیت و قابل بررسی است. زمانی که صحبت از ترانه نوین می‌کنیم، متأسفانه این جریان به نفع قنبری مصادره می‌شود. او با بیان این‌که محمدعلی شیرازی، تورج نگهبان و پرویز وکیلی حلقه اتصاد ترانه کلاسیک به ترانه نوین هستند، اظهار می‌کند: آن‌ها بودند که ترانه‌هایی برای موسیقی ملی و دستگاهی گفتند و بعد هم ترانه‌هایی برای موسیقی پاپ که اصطلاحا جَز می‌گفتند اما جز نبود. ویگن را «سلطان جز» می‌خوانند اما این جز به معنی این نبود که جز کار می‌کرد، بلکه از ادوات موسیقی که برای جز استفاده می‌شد، استفاده می‌کردند.

این ترانه‌سرا خاطرنشان می‌کند: ترانه سالم امروز ایران و نه بخش بازاری و مبتذلش، بر دوش امثال شیرازی بنا شده است. قطعا اگر شیرازی در ترانه ما نبود، ترانه ما فقدان و خسران بزرگی را تجربه می‌کرد. به هر حال خوشحالیم شیرازی تیم خوبی داشته تا همان ۴۰ سالگی کارهای ماندگاری خلق کرده است. ترانه‌هایی که او نوشته چه ترانه‌های کوچه‌بازاری یا کوچه باغی و چه ترانه‌های روشنفکری و اجتماعی مانند «زندونی» (دنیای زندونی دیواره)، «شکار» (وقتی رسید آهو هنوز نفس داشت) هیت شده و موفق بوده است. در کارنامه خوانندگان این آثار نمی‌شود که «شکار» و «زندونی» را نادیده گرفت یا «شن‌های ساحلی» که هر نوآموز خوانندگی با آن تمرین می‌کند. شیرازی با ویگن کارهای بسیاری دارد که هیت شده‌اند اما درد و دریغا که او در اوج پختگی و بلوغ نوشتن به سکوت رسید و ننوشت تا تیراژ «زیر آسمون شهر» و بازخوانی آلبومی که با همایون خرم انجام داد.

اهورا ایمان می‌افزاید: به شخصه بسیار ایشان را دوست داشتم و فقدان او را برای ترانه معاصر زیان‌بار می‌دانم. امیدوارم دوستان جوان ترانه‌سرا و پژوهشگران کار ایشان سرلوحه قرار دهند و اگر قرار است ساده بنویسند، یا ساده بخواننده سادگی و سلامت توامان را از آثار شیرازی یاد بگیرند، شیرازی در ترانه‌سرایی بر شعر کلاسیک فارسی تکیه کرده و این‌که چرا به اندازه آثارش مشهور نیست، به این دلیل است که هیچ هنرمند ارجمندی که سرش به کار خودش است و دغدغه‌هایش شعر و انسان و میهن است تا آلوده زردنویسی نشود، تا متوسل به جریان‌های حاشیه‌ای و بازاری نشود، مردم سراغش نمی‌روند و مردم او را دنبال کرده و درغربتی ناخواسته ما را ترک می‌کنند.

مرثیه‌ای برای تعطیلی و تغییر کاربری سینماهای قدیمی

سینماهایی که آماده کوبیدن می‌شوند

بیشتر از یک سال قبل بود که خبر قطعی تغییر کاربری سینما عصر جدید تهران شنیده شد و حالا با جمع شدن سر در، «عصر جدید» به سمت شکل و شمایلی تازه می‌رود؛ هرچند یکی از مالکانش می‌گوید فعلا خبری از کوبیدن ساختمان نیست. اواخر سال ۱۳۹۹ خبری در ایسنا منتشر شد که حکایت از تعطیلی و تغییر کاربری یکی از سینماهای قدیمی و نوستالژیک تهران داشت. در آن زمان سینماها هنوز درگیر آسیب‌های ناشی از شیوع کرونا بودند و در تعطیلی و رکورد گیشه به سر می‌بردند. در آن مقطع عبدالله علیخانی، یکی از مالکان سینما عصر جدید گفت که با توجه به شرایط کرونا سینما فعلا تعطیل شده تا تصمیم قطعی درباره سرنوشت آن گرفته شود و مدتی بعد هم خبر صدور مجوز برای تغییر کاربری آن قطعی شد. این خبر واکنش‌های متفاوتی را به همراه داشت و بسیاری از سینماگران و سینما دوستان از تخریب یک سینمای نوستالژیک گله‌مند شدند اما محمدحسین فرح‌بخش در گفت‌وگویی با ایسنا این سوال را از منتقدان تغییر کاربری سینما پرسید که چرا در چند سال گذشته به این سینما نیامدند تا فیلم ببینند و رونق این سینمای قدیمی را حفظ کنند. حالا در روزهایی که بار دیگر گیشه سینماها پس از ناآرامی‌های پیش آمده، از رونق افتاده و سینماداران تا همین چند روز قبل به دنبال مُسکن‌های موقت مثل پخش مسابقات جام‌جهانی بودند، خبرهایی از افزایش تعطیلی و تغییر کاربری سینماها همچنان به گوش می‌رسد؛ هرچند برخی از مالکان این سینماها خیلی تمایلی ندارند که تصمیم خود را به طور رسمی اعلام کنند. با این حال به نظر می‌رسد آن‌هایی که مجوزهای لازم برای تغییر را گرفته‌اند کم‌کم برای تغییر دست به کار شده‌اند. در این زمینه، مدتی است که سردر سینما عصر جدید برداشته شده و این سینمای قدیمی که فعالیت‌های ابتدایی‌اش در خیابان طالقانی به دهه ۱۳۲۰ برمی‌گردد و در مقطعی کاملا تخریب و سپس به شکل سینمای فعلی بازسازی شده، آماده می‌شود که از شکل و شمایل سینما خارج شود. صندلی‌های این مجموعه هم پیش‌تر جمع‌آوری شده بودند. البته فرح‌بخش درباره اینکه آیا قرار است اقدامی در ساختمان عصر جدید انجام شود به ایسنا می‌گوید: تغییر این سینما از طرف ارشاد هم قبلاً اعلام شده ولی ما هنوز تصمیم خاصی نگرفته‌ایم و فعلا خبری از ساخت و ساز و کوبیدن سینما نیست منتها چون آنجا دیگر سینما نیست، سردر آن برداشته شده است.

علاوه بر این سینما، مدتی قبل امیرحسین علم‌الهدی به ایسنا گفته بود: «بنابراطلاعات موجود سینما پارس در میدان انقلاب تهران به مالکیت تهیه‌کننده مطرح سینما جناب مرتضی شایسته و شریک ایشان توانسته اند تغییر کاربری این سینما را از ارشاد دریافت نمایند و سینما مرکزی هم به دلیل هزینه‌های هنگفت بازسازی و مشکلات عدیده اقتصادی بنیاد خیریه کامرانی (بنیانگذار این سینما) و تمرکز بر فعالیت‌های خیریه ترجیح داده اند بر مبنای درست « هرجا جلوی ضرر را بگیری منفعت است»، سینما را همچنان تعطیل نگهدارند و باتوجه به رکود بحرانی سینما در سالجاری بعید است این مجموعه سینمایی در مهمترین میدان شهر تهران تا اطلاع ثانوی دوباره جان بگیرد.» این کارشناس سینما تاکید کرده بود: «سیر خزنده تعطیلی سینماهای لاله زار که از اواخر سال ۷۰ آغاز شد در دهه ۹۰ به خیابان انقلاب و میدان ولیعصر و سینماهایش رسید و الان تبعات این سیر خزنده در حال خودنمایی است و اپیدمی کرونا نیز توانست سرعت این سیر خزنده را بیشتر کند تا سینمای ایران متوجه این نکته باشد که سینماداری یک فعالیت منفک از تولید است و امکان وصل حیات و ممات سینماداری به سیاست‌های تولید و مصرف فیلم داخلی یک سیاست سرتاسر اشتباه و مرگ آور (تعطیلی سینماها) است و بازهم به من خرده نگیرند دوستان سینمایی که تولید مهم تراست از سینماداری در صورتی که سینما داری مثل هر فعالیت استاندارد توزیع و فروش محصول مختصات منطقی عرضه و تقاضای بازار را در خود دارد و نه مختصات خاص مشتری مداری به سبک تولید و مصرف محصولات داخلی. فرونشست‌های سینمایی(تعطیلی) بیشتری را در آینده با این سبک و سیاق علم‌اقتصاد داخلی سینما در پیش خواهیم داشت...»

معاون میراث فرهنگی کشور:

الواح هخامنشی در آمریکا گیر افتاده است

اگر میراث فرهنگی به «چم‌شیر» اعتراض کرده چرا سد آبگیری می‌شود؟

معاون میراث فرهنگی از استرداد بخشی از اشیاء تاریخی ایران از انگلستان در آینده‌ای نزدیک خبر داد و درباره بازگشت باقی مانده الواح هخامنشی از آمریکا، گفت: استرداد الواح هخامنشی از دانشگاه شیکاگو به روابط ایران و آمریکا گِره خورده و فعلا وقفه ایجاد شده است.

به گزارش ایسنا، علی دارابی ـ قائم مقام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ـ در نخستین نشست خبری خود که چهارشنبه ۳۰ آذرماه ۱۴۰۱ برگزار شد، درحالی‌که از اواخر شهریورماه ۱۴۰۰ در این سمت منسوب شده است، در عین حال که با انتقادهای گسترده رسانه‌ها درباره پاسخگو نبودن معاونت میراث فرهنگی نسبت به وقایع این حوزه روبه‌رو شد، مروری داشت بر اقداماتی که تا کنون در حوزه میراث فرهنگی انجام شده است و درباره استرداد اشیاء تاریخی به ایران از جمله الواح هخامنشی، غرق شدن بیش از ۱۲۰ محوطه باستانی با آبگیری سد چم‌شیر، چالش‌های سیاسی ثبت میراث ناملموس، تعیین وضعیت حقوق و دستمزد نیروهای پایگاه‌های میراث فرهنگی که در هفته‌های اخیر به دلیل نقص قانون استخدام چالش‌برانگیز شده است و مداخلات برخی استان‌ها در امور میراث فرهنگی، توضیحاتی داد.

معاون میراث فرهنگی در پاسخ به سوال ایسنا درباره آخرین وضعیت پرونده‌های استرداد آثار تاریخی ایران و مشخصا بازگشت الواح هخامنشی از آمریکا به ایران که قرار بود تا حدود سه ماه پیش اتفاق افتد، گفت: بخش قابل ملاحظه‌ای از موضوع بازگشت الواح هخامنشی به ایران حل شده بود، ولی به دلیل شرایطی که در دو سه ماه اخیر پیش آمد و روابط و مناسبات خارجی ما را به طور کلی تحت‌تاثیر قرار داد، وقفه بزرگی ایجاد کرد و در عین حال که دادگاه حکم داده و بخشی از الواح بسته‌بندی شده بود که به ایران برگردد، اما الان انجام نمی‌شود، چون بازگشت آن‌ها به روابط ایران و آمریکا گره خورده است. هرچند با توجه به حکم دادگاه، خوش‌بین هستم مشکلی برای تحویل الواح وجود نداشته باشد.

او ادامه داد: سه پرونده مفتوح دیگر داریم؛ اخیرا در دادگاه لندن موفق شدیم تعدادی از آثار فوق‌العاده نفیس را پس بگیریم. هفته قبل از طریق وزارت خارجه اقدامات لازم برای پرداخت حق‌الوکاله وکیل مربوطه انجام شد.

دارابی افزود: در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کارگروهی را برای استرداد تشکیل داده‌ایم، از وزارت خارجه هم تشکر می‌کنم که با جدیت و غیرت کمک می‌کند. امیدوارم هر چهار پرونده استرداد اشیاء را به نتیجه برسانیم.

قائم مقام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پاسخ به سوال دیگر ایسنا درباره حقوق و قراردادهای نیروهای پایگاه‌های میراث فرهنگی که با نقص قانون استخدام مواجه شده است، درحالی‌که پیش‌تر گفته شده بود با تغییر وضعیت قرارداد این نیروها، «کار بزرگ و شاهکاری» اتفاق افتاده، اما از آن زمان نه تنها این نیروها حقوق‌شان را نگرفته‌اند که با قراردادی معیوب مواجه شده‌اند، توضیح داد: از این جهت گفتم کار بزرگی انجام شد، چون بیش از ۱۵۰ پایگاه میراث ملی و جهانی داریم که نیروهای آن به صورت قرارداد همکاری، کار می‌کردند که در پایان کار باید دنبال کار دیگری می‌رفتند، اما خیلی از آن‌ها با پایگاه‌ها ادامه همکاری دادند. در دولت سیزدهم که به وزارت میراث فرهنگی آمدیم با پدیده‌ای مواجه شدیم؛ وقتی آقای رییسی ـ رییس‌جمهور ـ به تخت جمشید رفتند همکاران ما گفتند پنج ماه حقوق نگرفته‌اند، علت آن این بود که از محل بودجه عمرانی حقوق می‌گرفتند. ما کار بزرگی انجام دادیم، سرفصل حقوق این نیروها که نزدیک ۸۰۰ نفر می‌شود را به بودجه جاری انتقال دادیم. مصوبه دولت را هم گرفتیم. در عمل باید فهرست آن‌ها را تهیه می‌کردیم که اسامی آن‌ها دارای اختلاف بود. بعضی از اسامی با صورتِ استان همخوانی نداشت. استان بعضی از نیروها را در بخش دیگری به کار گرفته بود، برای همین تا به آمار درستی برسیم زمان برد.

او اضافه کرد: از طرفی، آن نیروها باید با یک شرکت دیگر طرف قرارداد می‌شدند که شرکت توسعه گردشگری طرف قرارداد شد. برای این ۸۰۰ همکار نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان باید بودجه پیش‌بینی می‌کردیم که یک ریال آن در ردیف بودجه دولت و وزارت نبود، به ناچار امسال این ۱۰۰ میلیارد تومان را از محل بودجه عمرانی پایگاه‌ها تأمین کردیم، اما مشکلی که پیش آمد این بود این نیروها مقداری دیون داشتند، از طرف دیگر باید افزایش حقوق صورت می‌گرفت که نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان بودجه اضافی تحمیل می‌کرد. به هر حال آقای ضرغامی دستور داد از بخش‌های دیگر این بودجه تأمین شود.

دارابی گفت: اکنون از تمام استان‌ها اسامی نیروهای پایگاه‌ها را داریم، سوابق کار و تعهدات آن‌ها هم مشخص است. دیروز هم جلسه طولانی برای تطبیق وضعیت صورت گرفت. امیدوارم هفته آینده احکام جدید ابلاغ شود. جای نگرانی وجود ندارد. بخش قابل توجهی از مشکلات مطرح شده به خاطر تأمین منابع و تبدیل وضعیت است.

دارابی این اطمینان را داد که برخلاف گذشته نیروهای پایگاه‌ها مثل بقیه همکاران میراث فرهنگی زیرنظر اداره کل منابع انسانی قرار بگیرند که این اداره موظف است ماهانه حقوق آن‌ها را پرداخت کند و امیدوارم در هفته آینده این مشکل حل شود.

قائم مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پاسخ به پرسشی درباره سد «چم‌شیر» با توجه به زیرآب رفتن حدود ۱۲۰ محوطه باستانی و نیمه‌کاره ماندن کاوش‌های نجات‌بخشی و موضع وزارت میراث فرهنگی در این‌باره، اظهار کرد: این موضوع جدیدی نیست. پژوهشگاه میراث فرهنگی از دهه هشتاد کاوش در حوضه آبگیری این سد را آغاز کرده است، سه کاوش هم انجام شده و ۱۸ محوطه دیگر شناسایی شده است. میراث فرهنگی موضع و نظرش را رسماً به دستگاه‌های مسؤول اعلام کرده است و در چمشیر فعال بوده و آثار نفیسی پیدا کرده است. او درباره نظر مشخص میراث فرهنگی درباره آبگیری سد چم‌شیر گفت: پژوهشگاه میراث فرهنگی رسماً اعلام کرده است که آبگیری این سد موجب می‌شود بخش زیادی از آثار باستانی از بین برود. طبیعی است که وزارت میراث فرهنگی و پژوهشگاه نظر مخالفشان را اعلام کرده‌اند و این کاملا روشن است. این‌که چرا سر و صدای ما در نیامده است، چون ما در جلسات سر و صداهای خود را کرده و مکاتبات هم انجام شده است. معاون میراث فرهنگی، درحالی‌که خبرنگاران نسبت به پاسخ پرسش مربوط به آبگیری سد چم‌شیر متقاعد نشده و همچنان خواستار اعلام نظر شفاف‌تر متولی میراث فرهنگی درباره غرق شدن بخشی از تاریخ ایران در جریان آبگیری این سد شدند، بیان کرد که فکر می‌کنم به اندازه کافی درباره سد چم‌شیر پاسخ داده‌ام، موضع وزارت میراث فرهنگی هم روشن است. توضیحات بیشتر در این‌باره را پژوهشگاه میراث فرهنگی می‌تواند ارائه دهد. دارابی در ادامه این نشست به پرونده «میدان مشق» و واگذاری ساختمان‌های محدوده آن از جمله ساختمان وزارت امور خارجه اشاره کرد و در پاسخ به پرسشی درباره تعلل در به سرانجام رساندن این موضوع و خروج وزارت خارجه از این میدان، گفت: این پرونده سال‌ها معطل مانده بود، اما پس از بازدید آقای رییسی از میدان مشق، واگذاری ساختمان‌ها زمان‌بندی شده و موضوع را پیش می‌بریم. در موضوع میدان مشق، وزارت خارجه توافق را امضا کرده و برنامه این است که سالانه ساختمان‌ها تخلیه شوند و زمان آن را دولت باید اعلام کند که هنوز اعلام نکرده، علت آن این است که مکانی را برای جابه‌جایی باید تعیین کنند. درباره تخلیه ساختمان‌های وزارت خارجه ابتدا مخالفت‌هایی بود، اما با مذاکره و گفت‌وگو موافقت شد. و آقای امیرعبداللهیان همکاری خوبی داشتند.

گزارش

غول‌های طنز اینجا برنامه دارند

«صبح جمعه با شما» که سال‌هاست از شبکه رادیویی ایران پخش می‌شود و هنرمندان زیادی را به خود دیده، حالا با بیش از ۵۰ هنرمند روی آنتن می‌رود. این گروه برنامه ساز شامل برخی هنرمندان قدیمی از جمله اصغر سمسارزاده، عباس محبی، بیوک میرزایی، داود منفرد و مرتضی تبریزی است و البته برخی هنرمندان جدیدی که به تازگی به جمع آنها اضافه شده اند.

اهالی «صبح جمعه با شما» با یادی از پایه گذاران و هنرمندان قدیمی این برنامه نوستالژیک، از حال این روزها و تدارک برای شب یلدا و نوروز می‌گویند.

به گزارش ایسنا، «صبح جمعه با شما» نام برنامه‌ای رادیویی است که در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰، از رادیو ایران پخش می‌شد. این برنامه با تلاشِ گروهی از هنرمندان، مدت‌ها باب تفریح و خندهٔ ایرانیان را در روز جمعه فراهم می‌کرد. برنامهٔ «جمعه ایرانی» بعدها جایگزین «صبح جمعه با شما» شد و سپس برنامه «رادیو جمعه» به جای آن آمد. اما نهایتا اردیبهشت سال ۱۳۹۷ بود مسوولان رادیو ترجیح دادند با همان نام قبلی برنامه را روی آنتن بفرستند و در نتیجه «صبح جمعه با شما» دوباره احیاء شد.

عباس محبی و گله از برنامه‌های نازل تلویزیون

عباس محبی ـ بازیگر پیشکسوت «صبح جمعه باشما» ـ می‌گوید: معتقدم کارگردان‌ها و نویسنده‌ها باید از مردم یاد بگیرند که چگونه برنامه می‌سازند و در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند. می‌بینیم که تعداد بیننده‌های شبکه‌های مجازی، خیلی بیشتر از بیننده‌های تلویزیون است و مسبب آن همین برنامه‌هایی است که نازل است و متاسفانه انتخاب بازیگر و نویسنده بر اساس روابط است و بر اساس ضوابط نیست.

او که در حال حاضر شخصیت‌های ثابتی مثل دایی جان، آقا ماشاالله و جانعلی را بازی می‌کند، ادامه می‌دهد: گاهی شخصیت‌های دیگری هم که نویسنده اشاره کرده است را به خاطر ایجاد تنوع بازی می‌کنم؛ وگرنه من تیپ خیلی زیاد دارم. محبی درباره اینکه ایده این تیپ‌ها را از کجا می‌گیرد، توضیح می‌دهد: تیپ‌ها را از جامعه می‌گیرم. رویشان کار می‌کنم، به هر حال در کار طنز غلو باید باشد، مثل کاریکاتور که وقتی کشیده می‌شود، دماغ را گنده می‌کشند، چشم را کج و کوله می‌کشند، چاقش می‌کنند، لاغرش می‌کنند، ما هم در تیپ سازی همان هستیم یک تیپ را می‌گیریم که اول به صورت شخصیت است، بعد شخصیت را تبدیل به تیپ می‌کنیم بعد اگر اقبال عمومی پشت سر آن باشد، تکرار می‌شود.

طی این ۵۰ سال «صبح جمعه» همیشه با تماشاگر ضبط شده

وی در پاسخ به اینکه آیا در زمان بازی‌های جام جهانی تیپ خاصی را اجرا کرده؟ می‌گوید: آنچنان به جام جهانی نپرداختیم، اما من خودم در چند نمایش با تیپ حالت‌های گزارشگر در خدمت مردم بودم.

محبی با اشاره به کرونا و ثاثیرات آن می‌گوید: وقتی که کرونا به همه ضربه زد، ما هم مستثنی از این قضیه نبودیم. «صبح جمعه با شما» با تماشاچی «صبح جمعه با شما»ست. از اول هم طی این ۵۰ سالی که گذشته «صبح جمعه» همیشه با تماشاچی ضبط شده است. از کرونا تا این لحظه که با شما صحبت می‌کنم وقتی تماشاگر نداریم هم خودمان به نوعی حال خوشی نداریم و جای تماشاچی را خالی می‌بینیم و هم اینکه روی کیفیت برنامه تاثیر می‌گذارد ولی ما سعی می‌کنیم با همت بچه‌ها و خودمان حالت صحنه ای بدهیم به کارهایمان که شنونده بیشتر با ما همذات پنداری کند.

اصغر سمسارزاده و حال این روزهایش

اصغر سمسارزاده ـ پیشکسوت بازیگری درباره «صبح جمعه با شما» ـ اظهار می‌کند: «صبح جمعه با شما» برنامه‌ای است که از قدیم الایام به همین نام بوده؛ هنرمندان بزرگی مثل علی تابش و آقای قنبری و نوذری و حسین امیر فضلی و ده‌ها هنرمند برجسته بزرگ در این برنامه بودند. فکر می‌کنم یکی از غنی ترین و پرمخاطب ترین برنامه‌های رادیو «صبح جمعه با شما» است.

او درباره مخاطبان برنامه نیز اظهار می‌کند: تلفن‌هایی که به برنامه می‌شود را شنیده ام. گاهی اوقات برنامه زنده دارم، ده‌ها تلفن است که من شاید بتوانم به پنج تلفن جواب بدهم و این لطف مردم است که ما را اینجا نگه داشته است.

سمسارزاده ادامه درباره کار اصلی خود اظهار می‌کند: من در اصل هنرپیشه تلویزیون، بعد سینما و بعد رادیو هستم. ولی شغل اصلی من تئاتر است. اگر تئاتر نباشد اصلا زندگی نمی‌توانم بکنم. من تمام مخارج زندگی ام را از تئاتر درمی‌آورم. الان هم با این وضعیتی که پیش آمده و همه چیز دست به دست هم داده، از مسئولان رادیو می‌خواهم که یک لطفی در حق اوضاع مالی هنرمندان خصوصا برنامه «صبح جمعه با شما» داشته باشند. چون ما یکسری آدم هستیم که عشق زیادی ما را روی پا نگه داشته است. عشق به مردم، عشق به کار و عشق به رادیو.

وقتی آمدم رادیو مقبلی‌ها، نوذری‌ها و ... غول‌های این حوزه بودند

بیوک میرزایی با طرح این سوال که ما هم از رادیو برویم، چهار جوان که وارد رادیو می‌شوند، پیش چه کسی تجربه بیاموزند؟ می‌گوید: به ما می‌گویند، پیشکسوت؛ اما ما خودمان را باور نداریم. ولی وقتی درست نگاه می‌کنیم می‌بینیم استعدادهای ما انگشت شمار هستند. اگر این‌ها تقویت نشوند، حمایت هم نشوند ما هم از رادیو برویم چهار تا جوان که وارد رادیو می‌شوند، پیش چه کسی تجربه بیاموزند؟ من وقتی آمدم رادیو مقبلی‌ها، نوذری‌ها، تاجبخش، امیر فضلی‌ها و غول‌های این حوزه بودند که ما در کنار این‌ها یاد گرفتیم و تجربه اندوختیم.

او ادامه می‌دهد: در یک برنامه تلویزیونی، رقم‌های میلیونی به بازیگران و گوینده‌هایش پول می‌دهند اما در رادیو از این خبرها نیست. وقتی ما دلی و عاشقانه می‌آییم، بهتر است که دیگران توجه کنند، واقعا ما عاشقانه می‌آییم کار می‌کنیم، تا مردم لذت ببرند، جواب این را مسئولان باید به ما بدهند. که ما هم بیشتر دلی و عاشقانه کار کنیم.

وی با اشاره به حرفه نویسندگی طنز و در پاسخ به اینکه جای چه آیتم‌هایی در «صبح جمعه با شما» خالی است؟ عنوان کرد: باید نگاه کنند به جامعه، ببینند چه تیپ‌ها و چه شخصیت‌هایی توی دید مردم است یا آن کاراکتر و نقشی که ارائه می‌دهند چگونه است که با نوشته خودشان انتقال می‌دهند به ما، ما هم در ازای نقش‌های مختلف کم نمی‌آوریم. الان هم که کاراکترهایی که ارائه می‌دهیم هفت هشت تای آن‌ها تیپ است که کار هرکسی نیست. سابقه ۴۰ ـ ۵۰ ساله که شوخی نیست، نیم قرن می‌شود، جواب این نیم قرن را باید مسئولان بدهند. نویسنده‌ها باید تقویت بشوند پول خوبی بدهند، خوب بنویسند، نوشتن کار هر کسی نیست.

میرزایی درباره بازیگران جدیدی که به برنامه اضافه شده اند، نیز اظهار کرد: بستگی دارد که بازیگران جدید بتوانند خودشان را نشان بدهند. تجربه‌هایی که در این کار دیده می‌شود را کسب کنند. چون این برنامه، برنامه ای است که واقعا اگر متن خوب ارائه بدهند، خوب بازی کنند، شناخته‌تر می‌شوند. شناخته شدن و معرفی شدن، خیلی مهم است.

این پیشکسوت رادیو در عین حال گفت: بازیگری با معرفی کردن فرق دارد. بازیگری کاری عملی است، باید کسانی که این کاره هستند، بلد کار هستند معرفی بشوند. آدم‌هایی باید اضافه شوند که خلاقیت داشته باشند. «صبح جمعه» کاری حرفه ای است کار آموزشی نیست. برنامه «صبح جمعه» یک رسانه میلیونی است که کار حرفه ای باید ارائه بدهد، کار تجربی نباید ارائه بدهد. حالا در کنارش بله، جوان‌هایی هستند که استعداد و توانایی دارند، این‌ها باید در کار عملی در کنار ما توانمندتر شوند.

او با بیان اینکه در حال حاضر ۵۴ نفر در قالب گوینده، بازیگر، نویسنده و هنرمند پیشکسوت با ما همکاری دارند، ادامه می‌دهد: یکی از چالش‌های جدیدی که با آن روبرو هستیم، بحث نوروز ۱۴۰۲ است که تقریبا از یک هفته گذشته اقدام کرده‌ایم.

ساجد قدوسیان، سردبیر، نویسنده، تهیه کننده و کارگردان برنامه «صبح جمعه باشما» نیز از تدارک این برنامه برای نوروز گفت و توضیح داد: نوروز امسال تفاوت جدی با سال‌های گذشته دارد. اینکه سوم چهارم نوروز همزمانی عید و آغاز ماه مبارک رمضان را داریم، به همین دلیل تولیدات ما خیلی خاص می‌شود، که به عنوان «صبح عید با شما» تقدیم شنوندگان می‌شود. ما همچنان در ایام نوروز، هر روز به طور زنده از صبح در خدمت مخاطبان هستیم ولی به دلیل همزمانی با ایام ماه مبارک رمضان تغییرات جدی در برنامه به ویژه در حوزه محتوا داریم.